

اکنون چه باید کرد؟

۴ مجمع تشخیصی که خیلی هم از زمان تولدش نگذشته بود.

بربنمای قانون، مجمع تشخیص اولین اصلاحات مواد مخدر را در سال ۶۷ انجام داد که متعاقب آن اتفاق بزرگی رخ داد. در این مقطع که زمان دولت مهندس موسوی بود، ستاد با ساختار جدید و با نگاهی جامع به مواد مخدر در ایجاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی، امنیتی و انتظامی اصلاح شد و شکل گرفت. رکن بنیادین این اصلاح، تصمیمی درست و قانونی بود اما بهنگام نبود و می‌توانست اول انقلاب گرفته شود. اما درگیر جنگ بودیم و نشد تا در اولویت قرار بگیرد. اگر این تصمیم اول انقلاب گرفته می‌شد و ستاد شکل می‌گرفت، با اولویت دوم خسارت خیلی کمتر می‌شد و نتایج بهتری حاصل می‌شد. حتی شاید کشت خشخاش را هم ناپود نمی‌کردیم.

۵ یعنی تصمیم کاملاً درست و بحق امام در سال ۶۷ برای تشکیل ستاد مواد مخدر و اصلاح قانون باید زودتر گرفته می‌شد؟
بله. باید همان اول انقلاب این تصمیم گرفته می‌شد.

۶ کار ستادی کردید که به‌سرعت بحران را کنترل کنید، اما آیا موفق بودید؟
درباره این ستاد از زمانی که من آن را تحویل گرفتم در ۱۰ کنفرانس مطبوعاتی گفتم که ناکارآمد است و باید جمع شود، باید در چهار سال به دستور امام ارزیابی می‌کردیم. وقتی سال ۶۷ تصویب کردیم، باید سال ۷۱ بررسی می‌کردیم که کارآمد است یا نه. حال این موضوع ۳۰ سال است که رها شده و درباره آن تصمیم‌گیری نشده است. در آخرین مصاحبه‌ای که قبل از عید داشتم همین را گفتم که تنها راه فعلا مدل‌های مختلف سازمانی است.

۷ یعنی شما معتقدید الحاق مادهٔ ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر که مجازات اعدام را برای قاچاقچیان دانه‌درشت در نظر گرفته بود همچنان پاسخ‌گو نیست؟

قاچاقچی‌های اصلی یا در دسترس نیستند یا به خاطر شگردهایی که دارند به دام نمی‌افتند. عمدتاً حمل‌کننده‌ها خرده‌قاچاقچی هستند و برآورد کردیم مجازات اعدام تقریباً از نظر بازدارندگی کمترین میزان را دارد و در کنارش هزاران هزینه به نظام تحمیل می‌کند. در دنیا ما رتبه دوم از نظر اعدام شده‌ایم. حداقل با حذف اعدام برای خرده‌قاچاقچیان رتبه‌مان ۱۵۰ تا بالاتر رفته و بهتر شده است.

۸ قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر قانون خوبی بود که با تصویبش چند هزار نفر از اعدام نجات پیدا کردند و چند هزار حیات حفظ شد. منهای این، در دو سال گذشته به خاطر اینکه این مجازات تعدیل شد، رشد مواد مخدر هم نداشتیم. اما آن زمان شما ملاطمت شدید که مصرف‌کنونی مواد مخدر را ترویج می‌کنید. الان هم یکی از ملاطمت‌ها نسبت به شما این است که شما مدافع توزیع سازمان‌یافته مواد مخدر برای مصرف‌کننده‌ها هستید و شما را متهم می‌کنند که پیشنهاد تریاک‌کونی دارید. چرا این قدر اصرار دارید مواد مخدر باید سازمان‌یافته توسط نهادهای داخلی توزیع شود؟

ابتدا یک اصلاحیه به گفته شما وارد می‌کنم. در این مرحله نگفتم می‌خواهیم مواد مخدر توزیع کنیم. بحث آزادسازی نیست. بحث قانونی‌سازی است. گفتم کشت خشخاش که در سال ۸۳ اعلام کردیم متأسفانه تصویب شد اما انجام نشد. معتادان مواد مخدر صنعتی بین هفت تا ۱۰ هزار نفر بودند و عمدتاً لاس‌دی و اکستازی بود و قیمتش هم به طرز میانگین کیلویی ۱۷۰ میلیون بود. دکتر احمدی‌نژاد که دولت را به دکتر روحانی تحویل داد طبق آمار رسمی ۳۳۰ هزار نفر معتاد مواد صنعتی داشتیم و قیمت به ۹ میلیون تومان در کیلو رسید. به دلیل تولید انبوه هم آشپزخانه‌هایی در تهران راه افتاده بود.

۹ آیا نیروهای خودسری بودند که حوزه مواد مخدر را تشدید کرده باشند؟

در گزارشی سری که به مقامات دادیم روزانه چند نفر از داخل سیستم دستگیری می‌کردیم که با قاچاقچی‌ها همکاری می‌کردند. البته بیشترین تعداد مربوط به سربازها بودند که در مرز بودند و گاهی آن قدر خلاف می‌کردند که سربازی‌شان طول بکشد. مواردی از این دست داشتیم و برخورد کردیم. این افتخار جمهوری اسلامی است که با مواد مخدر و توزیع‌کنندگان حتی اگر در داخل سطوح حکومت بوده‌اند نیز برخورد صورت گرفته است. ضمناً طبق آماری که گرفته‌ام حدود ۱۹ میلیون دستگیری (شامل افرادی که چند بار دستگیر شده‌اند نیز می‌شود) بعد از انقلاب داشتیم که ۶۹ درصد دستگیری‌ها مستقیم و غیرمستقیم مربوط به مواد مخدر است. مثل کسی که معتاد بوده و قتل کرده است. به همین دلیل می‌گویم اگر به مواد مخدر درست بپردازیم، خیلی از مشکلات نظام حل می‌شود. بنابراین ۲۰۵ تا سه درصد دستگیری‌ها از داخل سیستم بود.

۱۰ در نِرم جهانی وضعیت ما چطور است؟

وضعیت خوبی داریم. البته من تحقیقات میدانی نداشته‌ام. بحران‌هایی که الان داریم، نتیجه دو مورد است، سکه دورویی است که یک روی آن جذاب‌بودن اقتصاد و پول در حوزه مواد مخدر است، روی دیگر سکه جدی‌بودن تقاضا و مصرف مواد مخدر است.

شرق: ۲۰ خردادماه مصادف است با عزل بنی‌صدر، نخستین رئیس‌جمهوری ایران از فرماندهی کل قوا به فرمان امام. به فاصله چند روز بعد هم طرح عدم کفایت سیاسی او در مجلس طرح شد و ۲۶ خردادماه به تصویب رسید. در تاریخ‌نگاری رسمی از بنی‌صدر، به‌ویژه در نحوه مواجهه او با جنگ به‌عنوان خائن نام برده می‌شود. اما در سال‌های اخیر برخی اظهارنظرها در این ایده تشکیک وارد کرده است. آخرین‌بار وقتی احمد توکلی گفته بود که بنی‌صدر خائن بود، محمد وردیان به او واکنش نشان داد. توکلی در توضیح درباره خائن‌بودن بنی‌صدر، به ملاقات با امام اشاره می‌کند و می‌گوید: «یک روز آقایان خامنه‌ای، هاشمی، یزدی، رجایی، پوروش، بنده و مرحوم محمد منتظری خدمت امام رفتیم. نوبت به من رسید، به امام گفتم بنی‌صدر نوار پر می‌کند، نامه سرگشاده علیه مجلس می‌نویسد و در میتینگ‌هایش مثل میدان آزادی علیه مجلس حرف می‌زند اما نوبت به ما که می‌رسد شما می‌فرمایید هیچی نگویید. امام گفت: شما‌ها هم می‌گویید! ما تعجب کردیم و گفتیم ما که خفه شدیم از بس هیچ چیز نگفتیم. امام فرمود آن نامه‌ای که آشیخ محمد (منتظری) نوشته است خوب بود؟ روز قبل محمد منتظری یک نامه محرم‌نهای نوشته بود (از این نامه‌های محرم‌انه که منتشر هم می‌کرد) و در آن یک کیسه حسابی از بالا تا پایین بنی‌صدر را کشیده بود. برای ما تعجب‌آور بود که امام آن نامه را خوانده بود و در جریان آن قرار داشت و آن را هم به حساب همه ما گذاشت. به اینجا که رسید، محمد منتظری خندید و گفت حالا ۱۰۰ تا او گفته یکی هم ما گفتیم. بعد امام شروع به نصیحت کرد و گفت که جنگ است، پچسبید به جنگ، از این حرف‌ها کوتاه بیاپید، نباید اختلافی شکل بگیرد. ما هم دست از پا درازتر از این جلسه بیرون آمدیم». محمد وردیان، تاریخ‌نگار، سال ۹۴ به یادداشتی در واکنش به ادعای توکلی نوشته بود: «تاکنون در این زمینه هیچ‌گونه اثر پژوهشی کامل و درخور اعتنا منتشر نشده است. آقای توکلی نماینده محترم مجلس، چنانکه اشاره شد در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس به موضوع خائن‌بودن بنی‌صدر اشاره و خاطره‌ای از ملاقات با امام خمینی نقل کرده است که در عین اهمیت سیاسی آن، نه‌تنها ارتباط چندانی به تأیید خائن‌بودن بنی‌صدر در جنگ ندارد، بلکه بیاگر دیدگاه امام درباره ضرورت

سیاست

۳۸ سال پیش در چنین روزی فرمان عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا صادر شد

بنی‌صدر خیانت کرد یا نکرد؟

اجتناب از اختلافات سیاسی و تمرکز بر حل مسئله جنگ است». موضوع خائن‌نبودن بنی‌صدر در جنگ را برای نخستین‌بار دریادارعلی شمشانی در بازبینی و تحلیل تحولات دهه ۶۰، در یک برنامه تلویزیونی، در بحبوحه رخدادهای سال ۱۳۸۸ اعلام کرد که بازتاب نسبتاً گسترده‌ای داشت و حتی به او بسیار انتقاد شد. مجری برنامه از او سؤال کرده بود: «جریان نامه‌ای که بعد از فتح خرمشهر برخی فرماندهان نظامی به بنی‌صدر نوشتند و دستور عقب‌نشینی ایشان را تقبیح کردند، چه بود؟» که شمشانی پاسخ داد: «بنی‌صدر اصلاً آن‌موقع نبود. بنی‌صدر تا زمانی که در خاک ایران و فرمانده کل قوا بود، هیچ عملیات موافقی انجام نداد، بنی‌صدر در عملیات سال ۵۹ که می‌خواست خرمشهر را آزاد کند و شکست خورد و فاجعه هویزه رخ داد، قصد خیانت نداشت! بنی‌صدر دنبال پیروزی بود و اگر پیروز می‌شد، تانک‌هایی که به سمت بصره می‌رفتند تانک‌هایی در تهران به سمت کرسی‌های قدرت می‌رفتند و می‌گفت من عامل پیروزی‌ام. بنابراین بنی‌صدر خیانت نکرد».

در یکی از آخرین اظهارنظرها هم مصطفی میرسلیم به تسنیم گفته بود: «من شخصا سند محکمی که نشان‌دهنده وابستگی بنی‌صدر به بیگانگان باشد، ندیده و نیافته‌ام. اما بنی‌صدر با آن ویژگی آفازادگی و به‌علاوه نداشتن تسلط بر نفسیات که ترکیب شده بود با اطرفیانی اغلب غیرانقلابی و فرصت‌طلب و خانواده‌ای که چندان مراعات اقتضای ظاهر انقلاب را هم نمی‌کردند، گرفتار خودشیفتگی شد و این خودشیفتگی او را به سقوط در دامان تنکین منافقان کشاند. منافقان با تحلیل شرایط او، به‌راحتی و سریعاً توانستند او را که منزوی شده بود، طعمه خود کنند».
بالین‌حال سیدیجی رحیم‌صفوی، فرمانده سابق سپاه، به فاصله دو سال دو اظهارنظر متضاد درباره بنی‌صدر داشته است. او خرداد ۸۹ در حاشیه همایش شب خاطره گفته بود: «بنی‌صدر چه در دوران جنگ و چه در ارتباط با منافقین به صورتی کاملاً آگاهانه اقدام به خیانت کرد و این امری محرز است». او با رد این ادعا که «بنی‌صدر تنها متربکب اشتباه شده و قصد خیانت به ملت و کشور را نداشته است»، گفته بود: «این فرد چند ماه قبل از جنگ فرمانده کل قوا بود و این در حالی است که با هشارهای متعددی

ادامه واکنش سیاسیون به ماجرای نجفی



علی‌اکبر ولایتی، رئیس‌جمهور سابق

دارد، دوستان بهتر است به جای مشاجره، سکوت کنند تا در فضایی آرام به این پرونده رسیدگی شود. باید روشن شود آیا این پرونده صرفاً بعد خانواده‌گی و شخصی‌ارد یا ایجاد دیگری را نیز می‌توان برای آن متصور بود؟ تصور می‌کنم بیان چنین مباحثی در عرصه عمومی با این زوایایی که مطرح شده است، آسیب فراوانی به اعتماد عمومی می‌زند».

محمود میرلوحی، عضو شورای شهر تهران، نیز باور دارد سخنان کرباسچی از اساس نادرست است، او درباره موضع اخیر کرباسچی به «نامه‌نیوز» گفت: «هیچ چیزی به اعضای شورای شهر گفته نشده بود. آقای کرباسچی در وهله نخست باید پاسخ دهد اگر خبری داشته است، چرا هنگام انتخاب آقای نجفی به اعضای شوری شهر نکفت و در وهله دوم بگوید این «بختی که شاید بتوان نام مشاخره را نیز بر آن گذاشت، اکنون بین آقایان کرباسچی و میردامادی درباره پرونده نجفی صورت گرفته که بی‌مورد است. ابعاد قضائی پرونده آقای نجفی هنوز روشن نیست و اتهامات زیادی

آقای نجفی با خاتم استاد اطلاعات موثقى داشتند و در اختیار هم‌حزبی‌های‌شان می‌گذاشتند، آنها به شهرداری او رای نمی‌دادند. درباره هم‌حزبی‌ها به حزب اتحاد نیز اطمینان دارم اگر درباره این ارتباط چیزی می‌دانستند، قطعاً از شهرداری آقای نجفی حمایت نمی‌کردند. بعضی از افرادی که در فرایند انتخاب شهردار فعال و مطلع بودند، معتقدند که علت مخالفت جناب کرباسچی با شهرداری نجفی مسئله دیگری بود و درحرحال هیچ‌کدام از اعضای شورا و احزاب اصلاح‌طلب اطلاعاتی از ارتباط آقای نجفی با خاتم میرزا استاد نداشتند».

علاوه‌براین روز گذشته محمود صادقی نیز به سخنان کرباسچی واکنش نشان داد و در گفت‌وگو با «خانه ملت» درباره مناقشات اخیر اصلاح‌طلبان گفت: «بختی که نباید بتوان نام مشاخره را نیز بر آن گذاشت، اکنون بین آقایان کرباسچی و میردامادی درباره پرونده نجفی صورت گرفته که بی‌مورد است. ابعاد قضائی پرونده آقای نجفی هنوز روشن نیست و اتهامات زیادی

که به او مبنی بر احتمال وقوع جنگ از سوی عراق می‌شد، از در اختیار قراردادن سلاح و مهمات به نیروهای سپاهی و ارتشی و نیز آماده‌کردن آتان خودداری می‌کرد».

این در حالی است که او خرداد ۸۷ در برنامه محرم‌نهای که از شبکه سه سیما پخش می‌شد، در پاسخ به سؤال مجری برنامه مبنی بر اینکه «می‌گویند بنی‌صدر در جنگ و دفاع خیلی به ما خیانت کرد، ولی هیچ‌کس نگفته خیانت او چه بود»، اظهار کرد: «من هم نمی‌توانم کلمه خیانت را به‌کار ببر، بلکه نفهمی او را در برابر موضع خودش که رئیس‌جمهور بود و فرمانده کل قوا بود، اما انقلاب اسلامی را درک نکرده بود و عظمت امام را و اینکه بالاخره باید تابع امام باشد. البته از مسئله جنگ هم چیزی نمی‌فهمید».
سردار محسن رشید، یکی دیگر از سرداران جنگ، هم در سال ۸۸ در بخشی از گفت‌وگوی خود با تاریخ ایرانی درباره نقش بنی‌صدر در جنگ گفته بود: «در مورد اینکه آیا بنی‌صدر خائن بود یا نه، نگاه افرادی که او را خائن بالفطره می‌دانند یک نگاه افراطی است. به نظر من از وقتی بنی‌صدر در حوزه سیاست داخلی با سازمان مجاهدین خلق علیه حاکمیت پیوند برقرار کرد، عمل او خیانتکارانه است. می‌خواهم بگویم که خیانت بنی‌صدر در حوزه داخلی است نه در حوزه جنگ. هرچند که در حوزه جنگ مدیریت مقبولی نداشت. حالا بعضی‌ها این عدم مقبولیت روش‌ها را دال بر خیانت او می‌دانند که به نظر من این‌طور نبود. بنی‌صدری که در جبهه جنگ ترک (پشت) موتوری می‌نشست و به خطوط مقدم سر می‌زد نمی‌تواند خائن باشد. من یقین دارم که بنی‌صدر می‌خواست در جنگ پیروز شویم، ولیکن می‌خواست از پیروزی در جنگ، برای پیروزی جناح خود در داخل حاکمیت بهره بگیرد. دوست داشت در جنگ پیروز شود تا در تهران حرف اول را ب‌زنند و رقباى خود را منزوی کند. خب این اسمش خیانت جنگی نیست، اما اینکه آیا می‌توانست با این روش‌ها از پس عراق برآید؟ به نظر من نمی‌توانست، چون از پتانسیل‌های ملی- مردمی نمی‌توانست استفاده کند. حالا اینکه چرا نمی‌توانست از این پتانسیل‌ها استفاده کند بخشی از آن به دلیل مشاورانش بود و بخشی به‌خاطر دیدگاه‌هایش و بخشی هم به‌خاطر رقابت‌های داخلی بود».

					
					
					
					

می‌کنم که هیچ‌کس هیچ اطلاعی به اعضای شورای شهر نداده بود».

علاوه بر اینها، پرونده نجفی حواشی دیگری نیز ایجاد کرد. علی مطهری چندی پیش گفته بود: «اخبار رسیده و صحبت‌های آقای نجفی نشان می‌دهد در کشور پرستوهایی وجود دارند که گرد سیاسیونی که منتقد یا مخالف به شمار می‌روند، به پرواز درمی‌آیند و فیلم و عکس تهیه می‌کنند برای بستن دهان او. حال اینکه این روش‌ها برای یک مسلمان حرام است». در پی این سخنان مسعود استاد، برادر مقتول در اینستاکرام خود ضمن منتشرکردن صفحه عقده‌نامه خواهرش با محمدعلی نجفی، از علی مطهری خواست به دلیل اعلام شائبه «پرستو»بودن میرزا استاد، از اولایای دم عذرخواهی کند و نوشت: «فرستی ساروزه به احترام رای هم‌شه‌ری‌های عزیز که شما را به واسطه تبار ولایتان به مجلس فرستاند، خواهم داد تا نسبت به موضع‌گیری اخیرتان از مولکان داغدارتان عذرخواهی بفرمایید. در غیر این‌صورت به وکالت از اولیای دم، به جرم افترا از شما شکایت خواهم کرد».

علی مطهری ساعتی بعد از این متن در کانال تلگرامی خود به برادر میرزا استاد پاسخ داد و نوشت: «آنچه من گفتم یک موضوع کلی بود نه صرفاً درباره شخصی ایشان. به دو چیز استاد کردم؛ یکی تاریخچه‌ای از پرستوها در جمهوری اسلامی که در آن ایام در رسانه‌ها منتشر شد و دوم سخن خود آقای نجفی که در مصاحبه با خبرنگاران گفتند مکالمات تلفنی من نشود و برای آن مرحومه ارسال می‌شد. از این دو مطلب یک مطلب کلی را نتیجه گرفتم که متأسفانه در کشور ما چنین پدیده‌ای وجود دارد و البته با اسلام که استفاده از وسیله نامقدس را حتی برای هدف مقدس ممنوع می‌شمارد، سازگار نیست. ضمون حرف من این بود که قاعدتا عدده‌ای می‌خواسته‌اند از آن مرحومه به عنوان یک ابزار برای اهداف سیاسی خود استفاده کنند، نه اینکه وی از ابتدا یک پرستو بوده است».

ادامه از صفحه ۵

واگذاری پروژه‌های غیراقتصادی به سپاه

در جامعه ما حتی کسانی که نقش اپوزیسیون را بازی می‌کنند کاملاً انحراف دارند. بحث سدستیزی در کشور مطرح می‌شود. به اجرای طرح‌های جامع کسی توجه نمی‌کند. نمی‌گویم به لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی و فنی چه باید بکنیم که منجر به یک نتیجه مثبت شود، اپوزیسیون در جوامع در صورتی که در مسیر درست حرکت کند، می‌تواند نقش بسیار قوی‌ای داشته باشد. هدف از برنامه‌های آبی تامین آب شرب، سالم و بهداشتی برای مردم است. بنابراین اگر سدی بسازیم که مردم آواره شوند، درست عمل نکرده‌ایم.

۴ ما طرح آمایش سرزمین نداریم. داشتن طرح آمایش مهم‌ترین ابزار برای برنامه جامع نوشتن است. نمی‌دانم اسناد بالادستی از کجا می‌آید. در طرح‌های جامع برای شهر خشکی مثل سمنان حداکثر توسعه کشاورزی، شرب و صنعت را در نظر می‌گیرند و مشاور بر اساس آن سند بالادستی حکم می‌دهد که انتقال آب خزر به سمنان ضروری است. این سندهای بالادستی بدون داشتن طرح آمایش چگونه تدوین شده است؟ طرح‌های جامع بر اساس آمال و آرزوهای استاندار و فرماندار نوشته می‌شود یا مبنا پتانسیل‌های منطقه است؟

اگر از من بپرسید، طبعا اینها باید بر اساس ظرفیت زیست‌بوم نوشته شود. برای نوشتن این طرح‌ها حتماً باید مزیت‌های منطقه‌ای را شناسایی کنید. مزیت‌های رقابتی متناسب با آن برنامه‌ریزی کنید. حال در کشورمان چرا نمی‌آییم از این حجم عظیم از مواهب استفاده کنیم. ما هر کاری می‌کنیم که از دریا فراق کنیم. ما مرزها را خالی می‌کنیم و اطراف دریا را که بهترین محل برای احداث نیروگاه و تأسیسات صنعتی است کنار گذاشته‌ایم. دامن به سمت جاهایی می‌رویم که آلودگی هوا دارد و درگیر فشردگی جمعیت است. توسعه منطقه‌ای باید بر اساس ظرفیت زیست‌بوم باشد. این کاری است که انجام نمی‌دهیم.

۵ طرح جامع بر چه اساسی نوشته شده است؟

طرح‌های جامع و اسناد بالادستی انحراف زیادی از استانداردهای بین‌المللی ندارد. ولی در اجرا می‌بینید تمایلات محلی و منطقه‌ای اجازه اجرای برنامه را نمی‌دهد.

۶ در سمنان توسعه کشاورزی صنعت و جمعیت دیده شده است در صورتی که سمنان پتانسیل چنین توسعه‌ای را ندارد و در حال حاضر برای صنعت موجود آب ندارد.

اعتقاد شخصی من این است که ما ظرفیت بالایی داریم اما چون غلط از آن استفاده می‌کنیم، می‌گوییم ظرفیت نداریم. در سمنان همین منابع آب، خاک و معدنی که دارید، اندازه یکی از کشورهای خوب و ثروتمند نیست. اگر در سمنان آب را درست مصرف کنیم، نگذاریم خاک فرسوده شود و معادن شرب و ماسه را به درستی بهره‌برداری کنیم، اصلاً کمبودی نداریم. من معتقدم کشور آب کم ندارد. خیلی‌ها به من انتقاد می‌کنند اما باید بگویم کمترین میزان آب ما ۸۰ میلیارد مترمکعب است. با این میزان آب در سال، باید هیچ مشکلی برای کشاورزی نداشته باشید اما کشاورزی که اقتصادی نیست. تا ۱۰ ۲۰ هزار مترمکعب آب را به برنج اختصاص می‌دهیم در حالی که کنار رود نیل که دریایی از آب است، واریته‌های مقاوم به خشکی کشت می‌شود و محصول سه‌ماهه به نتیجه می‌رسد. اگر ما در سمنان درست از آب استفاده کنیم، ظرفیت‌های زیادی هست. در چهارها اگر دست مدیریت کنید، کمبود آب نداریم. من می‌گویم که بزرگ‌کمترین بارندگی را داریم. ظرفیت فوق‌العاده بالایی داریم؛ اگر درست استفاده کنیم.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای غفور اشرفی با تسلیم ۲ برگ استشهدابه محلی مصدق شده طی شماره ۱۵۱۸۷ مورخ ۹۸/۲/۱۴ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۸۴ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۲۵۰۰۳۸۱۸ مورخ ۹۸/۲/۱۴ مدعی گردیده سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آبار تمان مسکونی به شماره ۵۲۸۰۹ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی قطعه چهارم تفکیکی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۸۸۹۵ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش دو تهران مساحت ۵۷/۹۶متر مربع واقع در طبقه یک که ۶/۷۹ متر مربع آن بالکن و بالکن پیشرفته ۸/۵۳ متر مربع آن پیشرفتگی است نام آقای غفور اشرفی ثبت و به شماره چاپی ۰۱۲۵۵۶ صادر و تسلیم شده است و بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار همین روزنامه آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید .

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نارمک م الف ۱۲۱۴۸

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای غفور اشرفی با تسلیم ۲ برگ استشهدابه محلی مصدق شده طی شماره ۱۵۱۸۸ مورخ ۹۸/۲/۱۴ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۸۴ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۲۵۰۰۳۸۱۸ مورخ ۹۸/۲/۱۴ مدعی گردیده سند مالکیت ششدانگ واحد تجاری واقع در طبقه همکف سمت شرق به مساحت ۳۰۹۰ متر مربع قطعه ۳ تفکیکی به پلاک ۵۳۸۰۸ فرعی مفروز از پلاک ۴۸۸۹۵ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی واقع در بخش ۲ تهران بشماره دفتر الکترونیکی ۰۱۲۵۵۶۴۷۶۵۵ فرعی از ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۲۵ مدعی گردیده به شماره چاپی ۰۱۲۵۵۵ب۹۷ صادر شده بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار همین روزنامه آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید .

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نارمک م الف ۱۲۱۴۹

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسیله به آقای اکبر حیدرزاده رضایی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۳۲۸۷ به نشانی خیابان ۱۷ شهرپور خیابان کرمان خیابان طاهری کوچه یاس پلاک ۳۱ ابلاغ می شود بانک سپه به استناد قرارداد شماره ۱۷۸۵۰۲۷۸۷ مورخ ۸۵/۱۲/۲۸ جهت وصول مبلغ ۷۵.۲۲۵.۳۰۶ ریال مشتمل بر مبلغ ۶۷.۷۹۱.۶۶۶ ریال بابت اصل طلب و مبلغ ۷.۴۳۳.۶۴۰ ریال بابت خسارت تاخیر تادیه تا تاریخ ۸۷/۸/۳۰ و از آن تاریخ تا تاریخ تسویه کامل مطالبات طبق مقررات علیه شما و دیگر متعهدین پرونده مبادرت به صدور اجرائیه نموده که پرونده اجرائی به کلاسه ۸۷۰۰۵۰۰ در این اداره تشکیل شده و در جریان اقدام است چون طبق گزارش مورخ ۹۷/۲/۱۵ مامور ابلاغ اداره پست ابلاغ اجرائیه به شما به دلیل عدم شناسایی نشانی میسر نشده لذا به استناد تقاضای وارده به شماره ۱۲۰۱۴۴۳۰ مورخ ۹۷/۱۰/۹ شرکت تامین اندیش پارس و وفق ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مفاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز رسمی ابلاغ اجرائیه محسوب می گردد اقدام به پرداخت بدهی خود ننمایید عملیات اجرائی برابر مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد ضمنا اجرائیه مورخ ۸۷/۱۲/۱۱ به محمد باقر محمدی و مورخ ۹۵/۶/۱ از طریق آگهی به فاطمه فارسی ابلاغ گردیده است .

رئیس اداره دوم اجرای اسناد رسمی تهران م الف ۱۲۱۳۲